

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال سیزدهم، شماره‌ی اول، بهار ۱۴۰۰، پیاپی ۴۷، صص ۱۷۹-۲۰۴

DOI: 10.22099/jba.2019.32472.3299

بررسی شیوه‌ی استدلال‌ورزی در مناظرات پروین اعتصامی بر اساس نظریه‌ی تولمین

ویدا سبزواری بیدختی*

سعید روزبهانی**

ابوالقاسم امیراحمدی***

محمد داوودی****

چکیده

مناظره، گفت‌وگویی است دوطرفه که در آن یکی از طرفین، حامی اقدام، عملکرد، روال، فرضیه یا نظریه‌ای خاص است و طرف دیگر مخالف آن و تلاش می‌کند با ارائه‌ی استدلال بر دیگری فایق آید. پروین اعتصامی یکی از سرایندگان بزرگ مناظره است و از طریق مناظره و با استفاده از صنایع بیانی مانند تشخیص و تمثیل، دعاوی و توصیه‌های اخلاقی-اجتماعی‌اش را بیان کرده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت سبک استدلال‌ورزی پروین در مناظره‌ها، با کاربرد نظریه‌ی تولمین و بر اساس روش تحقیق پیشنهادی مزینانی و نصیری صورت گرفته است. نمونه‌ی مناظرات از سه جنبه‌ی الف، شناسایی برهان‌ها؛ ب. شناسایی دعاوی و زمینه آن‌ها و ج. شاخص‌های قطعیت تحلیل شده که شرح کامل چهار قطعه در این مجال آمده است. در راستای شناسایی برهان‌ها، ۳۲ برهان (موضع عقلی) در نمونه اشعار پروین شناسایی شده که از این تعداد، مواضع

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران sarafsaryan@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران roozbahani@iaus.ac.ir

(نویسنده‌ی مسئول)

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران amirahmadi@iaus.ac.ir

**** استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران davoudi2100@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۲۷

تاریخ و تجربه؛ لزوم احتیاط و پیش‌گیری از خطر و تهدید؛ کنترل امیال نفسانی؛ استطاعت و تعریف، در شش مناظره (از دوازده قطعه) در نمونه‌های بررسی‌شده، بیشترین بسامد کاربرد را دارند. از طرفی، برهان‌های به‌کاررفته، زیربنای دعاوی و توصیه‌هایی در زمینه‌هایی همچون: وقت‌شناسی، جهان‌شناسی، تفرج، زیبایی‌شناسی، حق‌شناسی، سعادت، احتیاط در برابر خطرات، مبارزه با فساد حکومتی و اداری، نفی ظاهرینی و خودپسندی، خرافه‌ستیزی، ظلم‌ستیزی، آسیب‌شناسی فقر، عقل‌گرایی، کمال‌گرایی، واقع‌گرایی، رسم‌خویشاوندی و آداب‌هم‌نشینی قرار گرفته‌اند. یافته‌ی دیگر این تحقیق، بسامد بالای شاخص‌های تقویت‌کننده‌ی اطمینان و قطعیت مانند «باید»، «نباید»، «هیچ» و «هرگز» در سبک استدلالی شاعر است.

واژه‌های کلیدی: پروین اعتصامی، سبک استدلال‌گرایی، مناظره، نظریه‌ی تولمین.

۱. مقدمه

شاعران، با نگاه خاص خویش به انسان، جامعه، روابط انسانی، بایدها و نبایدهای فرهنگی و اجتماعی، آمال و آرزوهای خود را با گونه‌ی ادبی زبان به تصویر می‌کشند. رخشنده‌ی اعتصامی (م ۱۳۲۰ه.ش) معروف به «پروین اعتصامی»، به‌عنوان یکی از مشهورترین شاعر زن ایران و یکی از ستارگان درخشان شعر و ادب فارسی محسوب می‌شود. شخصیت ادبی پروین از کودکی شکل گرفت و عواملی همچون حرفه و دانش پدر، دوستان پدر که پروین خردسال در محافل ادبی با آنها هم‌صحبت می‌شد، تحصیل در مدرسه‌ی آمریکایی و از همه مهم‌تر تحولات سیاسی و اجتماعی روزگار شاعر، بر شخصیت و اندیشه‌ی او تأثیرگذار بوده‌اند. به‌خصوص، حضورش در مدرسه‌ی آمریکایی ایران که باعث آشناسدن وی با اندیشه‌های غربی و مسائل زنان در غرب شده است (رک. دادبه، ۱۳۸۳: ۳ و ۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۳۶۵). دیوان اشعارش شامل قصاید، مثنوی‌ها و مقطعات است. قطعه‌های پروین، دربردارنده‌ی موضوعات اخلاقی و اجتماعی است. یکی از امتیازات شعر او، سادگی و نداشتن تصنع لفظی و معنوی است و همین، دلیل، اقبال عمومی بسیار به شعر او است. «یکی از ممیزات شعر پروین این است که به‌کلی از تصنع لفظی و معنوی دور است و مطلقاً با ساختگی‌ها که در منظومات دیگران دیده می‌شود، آشنا نیست» (چاووش اکبری، ۱۳۷۸: ۳۰).

۱.۱. بیان مسأله

از جمله دلایل شهرت پروین، سرودن شعر با شگردی به نام «مناظره» است. مناظره، گفت‌وگویی است دوطرفه که در آن یکی از طرفین حامی اقدام، عملکرد، روال، فرضیه یا نظریه‌ای خاص است و طرف دیگر مخالف آن و تلاش می‌کند با ارائه‌ی دلیل بر دیگری فائق آید. «مناظره در لغت به معنی در امری با هم بحث و گفت‌وگو کردن است. در شعر آن است که شاعر یا نویسنده، دو طرف را برابر هم قرار دهد و آن‌ها را برسر موضوعی به گفت‌وگو وادار کند و در پایان یکی را بر دیگری غالب گرداند» (داد، ۱۳۷۵: ذیل مناظره). این مناظره‌ها، که تعداد آن‌ها به حدود هفتاد نمونه می‌رسد، نه تنها میان انسان‌ها، جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع اشیاء نیز رخ می‌دهد و در قالب تشخیص و تمثیل، شاعر را قادر ساخته تا با وجود سانسور حکومتی عصر رضاشاه دعاوی و توصیه‌های اخلاقی اجتماعی‌اش را راحت‌تر بیان کند. به‌گفته‌ی چاووش اکبری «از بیان صریح عقیده‌ی خویش در مظاهر مختلفه بیم ندارد. در قصاید و تمثیلات و موضوعات تعاونی و اجتماعی، همه‌جا این برتری و امتیاز نمایان است» (چاووش اکبری، ۱۳۷۸: ۳۰).

پروین در فن مناظره، شهرت خاصی دارد و به‌نوعی به آن جان بخشیده است. پروین این شیوه را ابداع نکرده است و این طریقه در ایران پیش از اسلام نیز رواج داشته است؛ اما دیرزمانی در کشور ما متوقف و محکوم به زوال شده بود و پروین این نوع ممتاز را نه تنها جان داد، بلکه رستاخیزی در راه‌ورسم مناظره برپا کرد و شور و عشقی در آن‌ها ایجاد نمود که خواننده را از اندیشه لبریز می‌سازد (رک. سروری سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). مناظره را می‌توان از فروع علم منطق هم به حساب آورد. به‌وسیله‌ی مناظره، شخص قادر خواهد بود دعوی خود را اثبات و طرف مقابل را اقناع کند. «مناظره فنی است معطوف به اثبات دعوی به شیوه‌ی اقناعی و از این جهت، افزون‌بر طُرُق برهان منطقی، هرگونه استدلالی را که به اقناع و اسکات بینجامد، شامل می‌شود» (واشقانی فراهانی و مهری، ۱۳۹۴: ۱۵۶ و ۱۵۷).

تولمین و نظریه‌ی استدلال‌ورزی: نظریه‌ی «استدلال»، ریشه‌های خود را از بنیادگرایی (Foundationalism) که از نظریه‌های معرفت‌شناسی دانش در حوزه‌ی فلسفه محسوب

می‌شود، گرفته است. بنیادگرایی به دنبال پیدا کردن مبانی ادعاهای مطرح در صورت (یا منطق) و محتوای (یا قوانین واقعی) نظام جهانی دانش است. گفتنی است متخصصان حوزه‌ی استدلال به تدریج فلسفه‌ی سیستماتیک ارسطو و ایده‌آلیسم افلاطونی و کانتی را رد کردند. آن‌ها این ایده را که مقدمات و مواضع استدلالی، رسمیت و صحت خود را از سیستم‌های صوری فلسفی گرفته بودند، به چالش کشیده و در نهایت کنار گذاشتند. از این رو، حوزه‌ی استدلال گسترش یافت (Gronbeck, 1980: 10-11).

نظریه‌ی استدلال سنتی از رویکرد گفتمانی تاریخی اقتباس شده است و مهم‌ترین ابزار تحلیلی برای نظریه‌پردازی انتقادی است. ووداک (Wodak) مبدع و طراح اصلی رویکرد گفتمانی تاریخی، اشارات و برهان‌هایی را که در راستای مشروع‌سازی ادعاها یا سلب مشروعیت از نظم اجتماعی خاصی در متن بررسی شده به کار رفته‌اند، «موضع عقلی» می‌نامد (رک. Wodak, 2001: 74).

استفن ای. تولمین (Estephan E. Toulmin ۱۹۲۲-۲۰۰۹) فیلسوف بریتانیایی تحصیل‌کرده در کمبریج و نظریه‌پرداز تأثیرگذار در حوزه‌ی استدلال‌ورزی است. او که متأثر از اندیشه‌های ویتگنشتاین (Wittgenstein) بود، تمام آثارش را به مسئله‌ی اخلاق و برهان‌ها و استدلال‌های اخلاقی اختصاص داد. این فیلسوف در کتابی با عنوان *فهم انسان بر انسان‌شناسان نسبی‌گرا می‌تازد و استدلال می‌کند*. گرچه این گروه تأثیر تغییرات فرهنگی بر استدلال‌های منطقی را درک کرده و پذیرفته‌اند، ولی به جنبه‌های نسبی و مقید به بافت استدلال بیش‌ازحد اهمیت داده و عناصر مطلق، جهان‌شمول و مستقل از بافت را نادیده گرفته‌اند (رک. Toulmin, 1972 B: 5-6).

تولمین با ملاحظه‌ی این فرایند استدلالی و ژرف‌نگری در نظریه‌پردازی فلاسفه‌ی نسبی‌گرا و مطلق‌گرا، به ارائه‌ی مدلی شش مؤلفه‌ای دست یافته که از برخی جنبه‌ها مطلق‌گرا و از برخی دیگر نسب‌گرایانه است. او نشان می‌دهد که حتی یک مدل ساده‌ی مباحثه نیز می‌تواند روش‌های مبنایی استدلال‌ورزی را در خود که همان ویژگی پیش‌گفته است، داشته باشد (Toulmin, 1958 A: 2003). مدل استدلال تولمین ابتدا در کتاب *کاربردهای استدلال معرفتی* شد. وی، بر این باور است که هر استدلال موجه، قانع‌کننده

و مقاوم در برابر انتقاد، سه مؤلفه‌ی اصلی با حضور اجباری (سه نمونه‌ی اول) و سه مؤلفه‌ی فرعی با حضور احتمالی دارد. مؤلفه‌های مدنظر عبارت‌اند از:

الف. ادعا (claim): نتیجه‌ها یا توصیه‌هایی که روایی و اعتبار آن‌ها در بحث باید تأیید شود؛

ب. داده‌ها (data): شواهد و حقایقی که به‌عنوان پایه‌ها و اساس هر بحث و ادعایی به آن‌ها استناد می‌شود؛

ج. برهان (warrant): مفروضاتی که داده‌ها را به لحاظ منطقی به ادعا گره می‌زنند. احکام و گزاره‌های عقلی، نقلی، قانونی و تجربی را می‌توان به‌عنوان برهان و مستندات ادعا تلقی کرد؛

د. پشتوانه‌ی برهان (backing): حقایق و برهان‌های دیگری که در حمایت از برهان اصلی بیان می‌شود و گزاره‌های معتبری که برهان به‌واسطه‌ی آن‌ها قدرت اقناعی بیشتری می‌یابد؛

ه. ردیه یا (نقیض) (rebuttal): داده‌هایی هستند که به‌سبب آن برهان اصلی تضعیف شده است و ادعا رد می‌شود؛ به نظر نگارندگان، اگر یک ماده‌ی قانونی در یک مباحثه برهان محسوب شود، تبصره‌هایی که آن ماده را مشروط می‌کنند، ممکن است از این دست باشند؛

و. شاخص‌های اطمینان (qualifiers): این‌ها واژه‌ها یا عباراتی در کلام گوینده هستند که میزان درجه‌ی اطمینان، اعتماد، یا تضمین او به دعاوی مطرح را نشان می‌دهند. چنین کلمات یا عبارات، عبارت‌اند از: «حتماً»، «احتمالاً»، «غیرممکن»، «قطعاً»، «شاید»، «تاآنجا که به‌شواهد دسترسی داریم»، «لزوماً» و مانند این‌ها.

باتوجه‌به مباحث فوق، این پژوهش با هدف شناخت سبک استدلال‌ورزی پروین اعتصامی با بررسی نیمی از مناظره‌های وی به شرحی که در بخش روش تحقیق آمده، صورت گرفته است؛ به دیگر سخن، شناسایی نوآوری‌ها و گزینش‌های مطلوب وی در طرح دعاوی و زمینه‌های مختلف آن‌ها از یک سو و نیز استخراج برهان‌های متنوع عقلی،

نقلی، قانونی و غیره که در دفاع از دعاوی خود و اقناع مخاطب به‌کار برده است، از سوی دیگر، در اولویت پژوهش قرار دارند.

استدلال‌ورزی در حقوق و در دفاع از یک متهم یا محکوم‌کردن او در دادگاه و نیز در سنجش اعتبار شواهد و مدارک کاربرد دارد. همچنین محققان و نظریه‌پردازان در این حوزه به بررسی توجیه‌های فراعقلانی نیز می‌پردازند که در چارچوب آن‌ها، فعالان اجتماعی‌سازمانی سعی می‌کنند تصمیم‌هایی را که در گذشته به‌طور غیرمنطقی گرفته‌اند، توجیه کنند (رک. مزینانی و نصیری، ۱۳۹۷: ۴۵).

۲. روش و پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات از نوع «کتابخانه‌ای» بوده و تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی و با روش و «استدلال استقرایی» صورت گرفته است و قصد دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. پروین دعاوی خود را بیشتر در چه زمینه‌هایی (فقرستیزی، سیاسی، اجتماعی، ...) طرح کرده است؟

۲. وی از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی برای اقناع مخاطب و اثبات دعاوی خود استفاده کرده است؟

۳. بررسی شاخص‌های قطعیت در اشعار پروین چه نتیجه‌ای دربردارد؟
با توجه به مطالب پیش‌گفته و تحقیقات پیشین در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، فرضیه‌های زیر محتمل است:

فرضیه‌ی ۱. با توجه به مطالعات پیشین به نظر می‌رسد دعاوی پروین بیشتر اخلاقی و اجتماعی است؛

فرضیه‌ی ۲. از مرور اجمالی نمونه اشعار اعتصامی چنین برمی‌آید که وی از میان برهان‌های تجربی، عقلی، علمی، و نقلی (آیات و روایات معصومین و سخن بزرگان) معمولاً به برهان‌های عقلی و تجربی نظر داشته است؛

فرضیه‌ی ۳. به نظر می‌رسد بررسی شاخص‌ها نیز مؤید لحن تحکمی، آمرانه و قاطع پروین باشد.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

پیرامون تحقیق حاضر، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. واشقانی فراهانی و مه‌ری (۱۳۹۴) در مقاله‌ی خود با عنوان «ویژگی‌های سبک‌شناسانه در مناظرات پروین اعتصامی» ضمن پرداختن به مباحث ادبی‌هنری و ویژگی‌های بیان انگیزه، گرفتن نتیجه، نقل قول، طرفین مناظره و درنهایت آرایه‌های مناظره، مختصری درباره‌ی ارتباط مناظره با علم منطق و استفاده از آن به‌عنوان یک برهان منطقی برای اثبات دعوی و اقناع طرف مقابل سخن گفته‌اند. ابراهیم‌تبار (۱۳۹۲) در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی سبک‌شناختی و تحلیل مناظره‌ی مست و هوشیار پروین با مست و عاقل مولانا» تنها به بیان ارتباط مناظره برای تفهیم مسائل عرفانی و بررسی چند مناظره از دو شاعر و ارتباط آن‌ها اشاره کرده است. ذاکری و صمصامی (۱۳۹۰) هم در مقاله‌ی خود با عنوان «بارقه‌هایی از سبک مناظره در ادبیات فارسی ایران (نظم)» از تعریف مناظره و ارتباط آن با حجت‌آوردن و سؤال و جواب اشاره کرده‌اند و تنها محبی (۱۳۷۹) در «مناظره در ادب فارسی» از این فن به‌صورت رسمی‌ترین روش بحث و استدلال که از قدیم مرسوم بوده نام برده و به ذکر شواهدی از سخنان افلاطون و ارسطو، پرداخته است. مجدالدین (۱۳۸۷) و مدیرشانه‌چی (۱۳۸۶) هم بیشتر از تحلیل جامعه‌شناختی و واکاوی اشعار و مناظره‌های پروین از خلال اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سخن گفته‌اند. کردنوده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی خود با مشخص کردن تأثیرات عناصر کلاسیسیسم بر شعر پروین و تعلیمی‌بودن آن‌ها، تجلی دو اصل تقلید از قدما و اخلاق را در سروده‌های وی پررنگ‌تر می‌داند.

در مقالات و نوشته‌های بررسی‌شده، به‌جز واشقانی فراهانی که به‌اختصار از روابط مناظره با برهان منطقی و اقناعی سخن گفته‌اند، دیگران این فن را به‌عنوان یک شیوه‌ی استدلال‌ورزی و آن هم برپایه‌ی یک نظریه بررسی نکرده‌اند. در این مقاله سعی شده شیوه‌ی استدلال‌ورزی در مناظره با تکیه بر قطعه‌های پروین اعتصامی و بر اساس نظریه‌ی تولیمن بررسی شود.

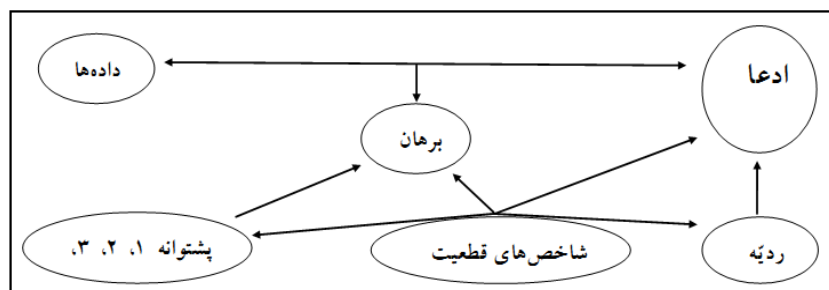
۴. بحث و بررسی

مزینانی و نصیری (۱۳۹۷) مدل پیشنهادی خود را بر مبنای شناسایی مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی مدل تولمین در متن منتخب، تدوین و متناظر با این مؤلفه‌ها نیز پنج سؤال پژوهشی متن‌کاوانه را که مبنای طرح سؤالات این مقاله قرار گرفته، طراحی کرده‌اند (در مدل پیشنهادی، برهان اصلی و برهان پشتوانه در یک سؤال جمع شده است). آن‌ها متن زیر را به‌نحوی ساخته‌اند که تمامی مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی استدلال تولمینی را دارا باشد:

«نهادهای ذی‌صلاح باید قربانی‌کردن حیوانات در آزمایش‌های مربوط به لوازم آرایشی را ممنوع کنند [ادعا]. در این آزمایش‌ها حیوانات شکنجه یا کشته می‌شوند [داده]؛ درواقع، هیچ ضرورتی در این زمینه دیده نمی‌شود که این کار را توجیه کند [برهان ۱]. سلامت و زندگی حیوانات مهم‌تر از سود صنایع آرایشی است [برهان ۲]. از طرفی، انسان از زنده‌بودن برخی از حیوانات بهره‌ی بیشتری می‌برد [برهان ۳]. البته گمان می‌کنم انجام‌دادن این آزمایش‌ها در سایر حیطه‌ها مانند آزمایش‌های دارویی تا حدی لازم است [شاخص]. چون ممنوعیت تام باعث کندشدن روند پیشرفت پزشکی و راه‌حل‌های درمانی می‌شود [نقیض]» (مزینانی و نصیری، ۱۳۹۷: ۵۷).

این دو پژوهشگر، رابطی میان مؤلفه‌های استدلال تولمینی را با نمودار زیر بازنمایانده‌اند. طبق این نمودار، ادعا یا نتیجه‌ی بحث به‌طور مستقیم، به داده‌های ارائه‌شده مرتبط است و برهان و پشتوانه‌ها، این پیوند را مستحکم می‌کنند. نکته‌ی درخور توجه در این نمودار، رابطه‌ی شاخص‌های قطعیت با چهار مؤلفه‌ی برهان، پشتوانه، ادعا و ردیه است، به‌نحوی که این عناصر در دل مؤلفه‌های گفته‌شده جای می‌گیرند.

نمودار ۱: بازنمون روابط حاکم بین مؤلفه‌های مدل استدلال تولمین در روش تحقیق پیشنهادی



پاسخ به‌سؤالات پژوهشی این مقاله، مستلزم تفکیک ابیات مناظره‌های منتخب به مؤلفه‌های استدلالی در چارچوب بالا است. در این چارچوب، تمامی انتقادات، پیشنهادها، توصیه‌ها، جملات امری و نتایج مطرح در این پژوهش عنوان «ادعا» به خود می‌گیرند؛ اما، شناسایی برهان، کار چندان ساده‌ای نیست؛ از این رو، به مطالعات پیشین رجوع کرده‌ایم و تعریف آن‌ها را معیار و ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهیم.

نظریه‌ی استدلال سنتی از رویکرد گفتمانی تاریخی (Discourse-Historical Approach) اقتباس شده است و «مهم‌ترین ابزار تحلیلی این رویکرد جهت نظریه‌پردازی انتقادی است» (مزینانی، ۱۳۹۶: ۸۱). ووداک، مُبدع و طراح اصلی رویکرد گفتمانی تاریخی، عنوان موضع عقلی را بر این برهان‌ها می‌نهد و معتقد است آن‌ها اشارات و برهان‌هایی هستند که در راستای مشروع‌سازی ادعاها یا سلب مشروعیت از نظم اجتماعی در متن به‌کار می‌روند. این اشارات و مواضع عقلی استنتاج‌پذیر را که با عنوان طرح‌واره‌های استدلالی نیز از آن‌ها یاد می‌شود، می‌توان به‌عنوان بخشی از استدلال‌هایی توصیف کرد که گوینده در دفاع از ادعاهای خود مطرح می‌کند (رک. Wodak, 2001: 74).

همچنین مواضع عقلی لزوماً با صراحت بیان نمی‌شوند، اما اگر به‌صورت جمله‌های شرطی یا علت و معلولی اگر (الف) پس (ب) و وجود (الف) به‌علت (ب) به‌صورت صریح‌تر ادا شده باشند، راحت‌تر می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد (رک. Reisingl, M., & Wodak, R, 2009: 102).

ووداک ضمن تحلیل گفتمان‌های تبعیض‌آمیز، پانزده موضع عقلی را بیان کرده است: اگر موضع عقلی‌ای یک کنش، رفتار، گفتار، یا اقدامی خاص را تأیید کند، پس باید آن را انجام داد. در غیر این صورت، انجام‌دادن آن نهی می‌شود. مواضع عقلی مدنظر عبارت‌اند از:

۱. مزیت یا سودمندی؛ ۲. بی‌فایده‌گی و ضرر؛ ۳. تعریف؛ ۴. [پیش‌گیری از] خطر یا تهدید؛ ۵. انسان‌دوستی؛ ۶. عدالت؛ ۷. مسئولیت و پاسخ‌گویی؛ ۸. [رفع] فشار و سنگینی؛ ۹. [صرف بهینه] امکانات مالی و پول؛ ۱۰. واقعیت؛ ۱۱. [استناد به] اعداد و ارقام؛ ۱۲. قانون و حق‌مداری؛ ۱۳. تاریخ [تجربه]؛ ۱۴. فرهنگ [و عرف]؛ ۱۵. [مقابله با] سوء استفاده (رک. مزینانی، ۱۳۹۶: ۱۹۵-۱۹۶).

مزینانی (۱۳۹۶) نیز از میان نمونه‌های گردآوری‌شده از کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، در مجموع ۲۲ موضع عقلی را شناسایی و تعریف کرده است. از این ۲۲ موضع، هشت نمونه با فهرست ووداک مشترک بوده که از بیان‌شان خودداری می‌گردد، اما چهارده نمونه‌ی زیر بدیع هستند:

۱. بازدهی و بهره‌وری؛ ۲. عذر مقبول؛ ۳. اتمام حجت؛ ۴. افراط و تفریط ممنوع؛ ۵. طرد امیال و هواهای نفسانی؛ ۶. دین‌گروهی؛ ۷. اولویت و ضرورت؛ ۸. اجماع؛ ۹. استطاعت؛ ۱۰. وجوب/ فوریت زمانی؛ ۱۱. پیامد نیکو؛ ۱۲. توازن کار و دستمزد؛ ۱۳. انصاف از خود؛ ۱۴. صداقت (رک. مزینانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

در پژوهش حاضر، با بررسی و تحلیل چند قطعه از مناظره‌های پروین اعتصامی، به این مهم پرداخته می‌شود که کدام‌یک از مواضع مذکور در سبک شاعر دیده شده یا اینکه وی، چه برهان‌هایی را به این دو فهرست افزوده است. در همین راستا، «نام‌گذاری مواضع عقلی شناسایی‌شده در متن تحلیل‌شده نیز (در صورت وجود) باتوجه‌به پیشینه و نام‌گذاری نمونه‌های بدیع که در متن و داده‌های خاص مشاهده شده و با وضع اصطلاح‌های جدید و باتوجه‌به کلان‌موضوع‌های یک گفتمان صورت می‌گیرد» (رک.

(Reisigl, M., & Wodak, 2009: 4

۱.۴. تحلیل مناظره‌های پروین اعتصامی

در این بخش، مناظره‌های پروین در چارچوب مدل تولمین توصیف و تحلیل خواهند شد. برای این کار، در ابتدا هر یک از مناظره‌های منتخب، به‌نحوی ارائه می‌شود که مؤلفه‌های استدلالی، شناسایی و نوع آن‌ها مشخص شده است. باتوجه‌به سؤالات پژوهشی این پژوهش، پس از هر مناظره نیز جدول‌های طراحی شده است که مضمون دعاوی و برهان‌های طرفین مناظره را که در پیشینه نام‌گذاری و تعریف نشده‌اند، به تفکیک و در قالب گزاره‌های خبری و عام نشان می‌دهند.

۱.۱.۴. مناظره‌ی سپید و سیاه

پروین در جای‌جای اشعار خود اهداف تربیتی متعالی و متنوعی را دنبال کرده است. سرچشمه‌پور باور دارد که «می‌توان گفت اخلاقیات در رأس تعلیم و تربیت پروین اعتصامی قرار دارد» (سرچشمه‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷۶). این مناظره، خواننده را به بیگانه‌دوستی، یک‌دلی و نفی نژادپرستی دعوت می‌کند:

کبوتری، سحر اندر هوای پروازی	ببام لانه بیاراست پر، ولی نپرید
رسید بر پرش از دور، ناوکی جان‌سوز	مبرهناست کز آن طعنه بر دلش چه رسید
شکسته شد پر و بالی، نزار گشت تنی	گسست رشته‌ی امید و رگی بدرید
گذشت بر در آن لانه، شامگه زاغی	طیب گشت، چه رنجوری کبوتر دید
برفت خار و خس آورد و سایبانی ساخت	برای راحت بیمار خویش، بس کوشید
هزارگونه ستم دید، تا به روزن و بام	ز برگ‌های درختان سبز پرده کشید
ز جویبار، به منقار خویش آب ربود	به باغ، کرد ره و میوه‌ای ز شاخه چید
گهی پدر شد و گه مادر و گهی دربان	طعام داد و نوازش نمود و ناله شنید
ببرد آن همه بار جفا که تا روزی	ز درد و خستگی و رنج، دردمند رهید
به زاغ گفت: چه نسبت سپید را به سیاه [ادعا]	تو را به یاری بیگانگان، چه کس طلبید [داده، برهان]
بگفت: نیت ما اتفاق و یکرنگی است [ادعا]	تفاوتی نکنند خدمت سیاه و سفید [ادعا]
تو را چومن، به دل خرد، مهر و پیوندیست	مرا بسان تو، در تن رگ و پی است و ورید [داده]
صفای صحبت و آیین یکدلی باید <u>شاخص</u> [ادعا]	چه بیم، گر که قدیم است عهد، یا که جدید [برهان]
ز نزد سوختگان، بی خبر نباید <u>شاخص</u> رفت [ادعا]	زمان کار نباید <u>شاخص</u> به کنج خانه خزید [برهان]
غرض، گشودن قفل سعادتست به جهد [ادعا]	چه فرق، گر ز سرخ و گر آهن است کلید [برهان]

(اعتصامی، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۳۳)

در ادامه، مضمون دعاوی و برهان‌های طرفین مناظره‌ی بررسی‌شده در جدول‌های زیر به تفکیک طرفین دعوی (کبوتر و زاغ) ثبت و زمینه‌ی مباحث، تعیین خواهد شد. شایان ذکر است که برخی از برهان‌هایی که در جدول‌ها ثبت شده، از بطن داده‌ها یا دعاوی مطرح در مناظره استنباط شده است:

جدول ۱: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان کیوتر در مناظره‌ی سپید و سیاه

دعاوی	دعاوی	۱. بین انسان‌های سپید و سیاه نسبت و رابطه‌ای وجود ندارد. نژادپرستی
	برهان‌ها	۱. موضع عقلی عذر مقبول: تا کسی تو را نخوانده، یاری کردن او لازم نیست. اخلاق

باتوجه به برهانی که از سوی کیوتر طرح شده است و پاسخی که زاغ بدان می‌دهد، به‌نوعی شاهد تقابل عقل و احساس در شعر پروین هستیم. این همان اصل اساسی است که به شعر وی رنگ و بوی رمانتیسم اجتماعی می‌دهد. پروین متأثر از این مکتب، با تأکید بر اخلاق و در قالب داستان‌های متعدد، ایده‌آل‌های اجتماعی‌اش را پیرامون محور بشردوستی مطرح می‌کند و خواهان عدالت، مساوات و دوستی در نظام اجتماعی است (رک. رضوانیان و محمودی نوسر، ۱۳۹۲: ۱۰۳). بر همین مبنا، در جدول زیر، شاهد برهان‌های مطرح‌شده از طرف زاغ هستیم که موضع عقلی عذر مقبول را تعدیل می‌کند:

جدول ۲: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان زاغ در مناظره‌ی سپید و سیاه

دعاوی	دعاوی	۱. نیت ما اتفاق و یکرنگی است؛ ۲. همه باید صفای صحبت و آئین یکدلی را بیاموزند؛ ۳. تفاوت رنگ پوست از ارزش و اعتبار ذاتی انسان نمی‌کاهد؛ ۴. از کنار کسی که دل سوخته است نباید بی‌توجه گذشت؛ ۵. درهای سعادت‌مندی بدون جهد و خدمت مخلوق باز نمی‌شود.
	برهان‌ها	۱. موضع عقلی انسان‌دوستی: «نیت ما اتفاق و ...»؛ ۲. موضع عقلی افراط و تفریط ممنوع: «زمان کار...»؛ ۳. موضع عقلی بازدهی و بهره‌وری: «چه فرق گر...»؛ ۴. موضع عقلی عدالت: «تفاوتی نکند خدمت ...»؛ ۵. موضع عقلی پیامد نیکو: «گشودن قفل سعادت به‌جهد»؛ ۶. موضع عقلی رفع فشار و سنگینی: «از نزد سوختگان بی‌خبر نباید رفت.»

شاعر با بیان این ابیات، توصیه می‌کند که کلید سعادت، خدمت به مخلوق خداوند است و چون سیاه و سفید نیز هر دو مخلوق او بوده و در خلقت قلب و رگ‌وپی برابر هستند، در ارزش ذاتی نیز برابر و مشمول قانون سعادت هستند. در همین زمینه، وی از

زبان زاغ مواضع عقلی یک، چهار و پنج را به‌عنوان ردیه یا نقیضی بر ادعای کبوتر مطرح می‌کند. مضامین این برهان‌ها در مناظره‌ی «بازی زندگی» که گفت‌وشنودی است تمثیلی بین عدسی و ماش نیز به‌زبانی دیگر تکرار شده است:

... هرچه را می‌پزند، خواهد پخت	چه تفاوت که ماش یا عدسی است
جز تو در دیگ، هرچه ریخته‌اند	تو گمان می‌کنی که خاروخی است
زحمت من برای مقصودی است	جست و خیز تو بهر ملتسمی است
کارگ «ر هرک»ه هست محترمست	هرکسی در دیار خویش کسی است

(اعتصامی، ۱۳۹۰: ۹۳)

از طرفی، کاربرد شاخص‌های «باید» و «نباید» نیز تفسیر خود را دارد. باتوجه‌به نبود تفاوت در وزن عروضی، می‌توان شاخص قاطع «باید» را با شاخص معتدل‌تر «شاید» در یک طرف و نیز «نباید» با «نشاید» را در طرف دیگر جایگزین کرد.

در اینجا، این سؤال درخور تأمل پیش می‌آید که آیا این اعتنای پروین بر برهان‌های عقلانی است که حتی هنگامی که از اخلاق می‌گوید، لحن او را آمرانه و کوبنده کرده است یا جوّ حاکم بر جامعه‌ی هم‌عصر او یا عواملی دیگر. پاسخ به این سؤال به بررسی ژرف و چند جانبه نیاز دارد؛ هرچند، این لحن کوبنده در کلام مخالف، یعنی کبوتر نیز مشاهده می‌شود.

پروین جملات کبوتر را هم در قالب سؤال مطرح کرده است و به نوعی کلام او را به‌صورت ضمنی با شاخص تقویت‌کننده‌ی قطعیت همراه می‌کند. شایان ذکر است که «طرح جملات خبری در قالب سؤال، تأثیر بیانی آن را نیز در مخاطب تشدید می‌کند» (مزینانی، ۱۳۹۶: ۷۹). البته، «از چنین سؤالاتی که پر از هیجان است، طعن و کنایه نیز فهم می‌شود» (Galperin, 1977 : 245). در همین مناظره‌ی بررسی‌شده، طرح گزاره‌ی «من تو را به یاری نطلبیدم» در قالب «تو را به یاری بیگانگان چه کس طلبید؟» که متضمن برهان یک در جدول (۱) و (۲) نیز هست، از همین نمونه‌ها است و نیاز به یادآوری است که پروین از این شگرد فراوان بهره می‌برد.

۲.۱.۴. مناظره‌ی کوتاه‌نظر

در این مناظره، دستگیری بهنگام از نیازمند و نفی نژادپرستی و برابری اجتماعی عناوین کلی دعاوی و توصیه‌های پروین به شمار می‌آید. شاعر در این مناظره با زبانی مجازی و موضوعی رماتیک، خودبینی و خودخواهی را نفی می‌کند:

شمع بگریست گه سوز و گداز [داده] کز چه پروانه ز من بی‌خبر است؟ [ادعا]
 به‌سوی من نگذشت [ادعا]، آن که همی سوی هربرزن و کویش گذر است [داده]
 به‌سرش، فکر دو صد شاخص سودا بود [ادعا] عاشق آنست که بی‌پا و سر است [برهان]
 گفت: پروانه‌ی پر سوخته‌ای که ترا چشمم، به ایوان و در است [داده]
 من به پای تو فکندم دل و جان [داده] روزم از روز تو، صدره بتر است [داده]
 پر خود سوختم و دم نزدم [ادعا] گر چه پیرایه‌ی پروانه، پر است [داده]
 کس ندانست که من می‌سوزم سوختن، هیچ شاخص نگفتن، هنر است [ادعا]
 آتش ما ز کجا خواهی دید؟ تو که بر آتش خویشت نظر است [برهان]
 به شرار تو، چه آب افشانند؟ آن که سر تا قدم، اندر شرر است [برهان]
 با تو می‌سوزم و می‌گردم خاک دگر از من، چه امید دگر است؟ [داده]
 پر پروانه ز یک شعله بسوخت [داده] مهلت شمع ز شب تا سحر است [داده]
 سوی مرگ از تو بسی شاخص پیش‌ترم هر نفس، آتش من بیشتر است [داده]
 خویشتن دیدن و از خود گفتن صفت مردم کوتاه‌نظر است [ادعا]
 (اعتصامی، ۱۳۹۰: ۷۷)

همان‌طور که آشکارا به چشم می‌خورد، داده‌های طرح‌شده، همگی مرتبط با بافت

تمثیلی مناظره است و بهتر است به‌صورت مجازی تعبیر شوند:

جدول ۳: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان شمع در مناظره‌ی کوتاه‌نظر

	دعاوی	۱. پروانه (عاشق) به من توجهی ندارد و به دیدار من نمی‌آید؛ ۲. پروانه سوداهای بی‌شماری در سر دارد (باید فقط به معشوق فکر کند).	احساسی / تعاملی
	برهان‌ها	۱. عاشق مدعی باید در خدمت معشوق باشد و برایش جان بدهد. البته، این گزاره را می‌توان تعریفی اغراق‌آمیز از موضع عقلی صداقت تلقی کرد.	اخلاق اجتماعی

به نظر می‌رسد، مناظره‌ی پیش‌گفته، دنباله‌ی منطقی یا تکمهی «حقیقت و مجاز» است. گویا، پروین خود نیز متوجه بوده است که در مناظره‌ی «حقیقت و مجاز» که از اوصاف عاشق حقیقی سخن می‌گوید، نگاهی تک‌بعدی به این موضوع داشته است. چنان‌که یک‌بار دیگر این نگاه تک‌بعدی را از زبان شمع (رک. جدول ۳) به‌عنوان مقدمه در «کوتاه‌نظر» نیز تکرار کرده تا خود بدان پاسخ گوید: فقط این عاشق نیست که باید صادق باشد، بلکه معشوقه نیز باید عاقلانه با موضوع برخورد کند و عوامل دیگری مانند «استطاعت» را نیز در نظر گیرد:

جدول ۴: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان پروانه در مناظره‌ی کوتاه‌نظر

دعاوی	<p>۱. من در راه عشق همه هستی خود را دادم و دم نزدم؛</p> <p>۲. هیچ‌کس حتی معشوق از درد، رنج و سوختنم با خیر نشد؛</p> <p>۳. در راه عشق و غم هجران نباید نالید و شکوه کرد؛</p> <p>۴. خودبینی و خودخواهی از کوتاه‌نظری است.</p>	احساسی / تعاملی احساسی / تعاملی احساسی / تعاملی احساسی / تعاملی	م ن ظ ر
برهان‌ها	<p>۱. موضع عقلی کنترل امیال نفسانی: کسی که فقط به خود می‌اندیشد، نسبت به حال دیگران بی‌توجه خواهد شد؛</p> <p>۲. موضع عقلی استطاعت: «به شرار تو چه ...»؛</p> <p>۳. موضع عقلی فوریت زمانی: «سوی مرگ از تو ...».</p>	اخلاق سلامت / اقتصاد سلامت / اقتصاد	

پروین در مناظره‌ی کوتاه‌نظر، از زاویه‌ای دیگر حقیقت عشق و محبت را موشکافی کرده است و مخاطب به‌ویژه، معشوق‌ها را از خودبینی و خودشیفتگی برحذر می‌دارد. پروین از زبان پروانه در نقش عاشقی پروبال‌سوخته و رنجور، ضمن توصیف عشق با طرح سه برهان منطقی، ادعاهای خودبینانه‌ی معشوق را رد می‌کند. به‌طور کلی، نکوهش کوتاه‌نظری در مواضع دیگری از اشعار شاعر نیز تکرار شده است؛ به‌عنوان نمونه:

بگفت: ای دوست، مهر از کینه بشناس ز ما نآید به جز تیمارخواری
 بهر بی‌توشه ساز و برگ دادم نکردم هیچ‌گه ناسازگاری

این ابیات برشی است از مناظره‌ی تمثیلی «برف و بوستان». آن هنگام که بوستان از آثار ظاهری برف شکایت می‌کند، برف در پاسخی با بیان قاطع آثار و پیامدهای درازمدت بارش خود، او را از ظاهرینی برحذر داشته و به ژرف‌اندیشی و آینده‌نگری دعوت می‌کند. درباره‌ی لحن پروین و شاخص‌های مربوط به آن باید گفت که در تمامی مناظره‌های بررسی‌شده، شاخص‌های تضعیف‌کننده‌ی قطعیت و اطمینان در زبان هیچ‌یک از طرفین مناظرات به چشم نمی‌خورد. در عوض، باز هم لحنی قاطع و کوبنده با شاخص‌های تقویت‌کننده‌ی دو صد، هیچ و بسی به خدمت گرفته شده است. بیان دعاوی و انتقادات نیز در قالب سؤال‌های تأکیدی (ابیات هشت تا ده) که پیش‌تر هم گفته شد و بعضاً حاکی از هیجان و طعن و کنایه هستند (رک. گالپرین، ۱۹۹۷: ۲۴۷)، ابزار درخور ملاحظه‌ی دیگری است که بارها در سبک استدلال‌ورزی و نقادی پروین به چشم می‌خورد. گویا وی با این سبک و سیاق، بی‌توجهی مخاطب مخالف باورهای خود را به بدیهیات عقلانی و منطقی به سخره می‌گیرد.

۳.۱.۴. مناظره‌ی دو قطره خون

بررسی و تحلیل نمونه‌ای از مناظره‌ای پروین حاکی از این مهم است که وی به شیوه‌های متفاوتی میان دو یا چند مناظره، همچون تشریح و بسط موضوعی یکسان از زاویه‌ای متفاوت و طرح موضوعی متفاوت در بافتی یکسان که از جمله‌ی این روابط هستند، پیوند برقرار کرده است. در این زیربخش، افزون‌بر بررسی استدلالی مناظره‌ی دو قطره خون به چگونگی پیوند بینامتنی آن با مناظره‌های پیشین نیز خواهیم پرداخت:

شنیده‌اید میان دو قطره خون چه گذشت / گه مناظره، یک روز بر سر گذری
یکی بگفت به آن دیگری، تو خون که‌ای؟ / من اوفتاده‌ام اینجا، ز دست تاجوری [داده]

بگفت، من بچکیدم ز پای خارکنی / ز رنج خار، که رفتش به پا چو نیشتری [داده]

جواب داد ز یک چشمه‌ایم هردو [برهان]، چه غم / چکیده‌ایم اگر هریک از تن دگری [داده]

هزار شاخص قطره‌ی خون در پیاله یکرنگ‌اند / تفاوت رگ و شریان نمی‌کند اثری [برهان]

ز ما دو قطره‌ی کوچک چه کار خواهد خاست؟ [برهان] / بیا شویم یکی قطره‌ی بزرگتری [ادعا]

به راه سعی و عمل، با هم اتفاق کنیم [ادعا] / که ایمن‌اند چنین شاخص رهروان ز هر خطری [برهان]

در اوفتیم ز رودی میان دریائی / گذر کنیم ز سرچشمه‌ای بجوی و جری [داده]
 بخنده گفت، میان من و تو فرق بسی شاخص است [ادعا] / توئی ز دست شهی، من ز پای کارگری [داده]
 برای هم‌رهی و اتحاد با چو شاخص منی / خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری [ادعا]
 ترا به مطبخ شه، پخته شد همیشه طعام [داده] / مرا به آتش آهی و آب چشم تری [داده]
 مرا به ملک حقیقت، هزار کس شاخص بخرد [برهان] / چراکه در دل کان دلی، شدم گه‌ری [برهان]
 قضا و حادثه، نقش من از میان نبرد / کدام قطره‌ی خون را، بود چنین شاخص هنری [ادعا/ برهان]
 در این علامت خونین، نهان دوصد شاخص دریاست / از ساحل همه، شاخص پیداست کشتی ظفری [ادعا]
 ز قید بندگی، این بستگان شوند آزاد / اگر به شوق رهائی، زنند بال و پری [داده/ ادعا/ برهان]
 یتیم و پیرزن، این قدر شاخص خون دل نخورند / اگر به‌خانه‌ی غارتگری فند شرری [داده/ ادعا/ برهان]
 درخت جور و ستم، هیچ شاخص برگ و بار نداشت / اگر که دست مجازات، می‌زدش تبری [داده/ ادعا/ برهان]
 سپهر پیر، نمی‌دوخت جامه‌ی بیداد / اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری [داده/ ادعا/ برهان]
 اگر که بدمنشی را کشند بر سر دار / به جای او نشیند به زور از او بتری [داده/ ادعا/ برهان]
 (اعتصامی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۲)

مرور اجمالی این مناظره حاکی از پیوند موضوعی آن با مناظره‌ی «سپید و سیاه» در باب
 برابری، عدالت و نوع دوستی، از یک سو و نیز مناظره‌ی «مست و هشیار» در باب هیأت دولت
 حاکم و وضعیت معیشتی رعیت از سوی دیگر است. در مناظره‌ی دو قطره خون، خون تاجور
 به نمایندگی از شاهان و شاهزادگان و خون خارکن به نمایندگی از طبقه‌ی کارگران و
 فرودستان جامعه درباره‌ی امکان اتحاد، اتفاق و یکرنگی با هم بحث می‌کنند. دعاوی و
 برهان‌های هر طرف در جدول‌های زیر، خلاصه و زمینه‌ی طرح آن‌ها نیز ثبت شده است:

جدول ۵: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان خون تاجور در مناظره‌ی دو قطره خون

اجتماعی	۱. پیشنهاد می‌کنم در انجام امور و مقابله با خطرها با هم متفق و متحد شویم.	دعاوی	برهان‌ها	تاجور			
طبیعت	۱. مسئولیت خویشاوندی: ما هر دو هم‌جنس، هم‌رنگ و... هستیم؛	برهان‌ها			تاجور		
ریاضیات	۲. موضع عقلی اعداد و ارقام: هزار قطره‌ی خون در پیاله یکرنگ‌اند؛					برهان‌ها	تاجور
فرهنگ / سیاست	۳. موضع عقلی رفع فشار و سنگینی: ز ما دو قطره‌ی کوچک چه کار...؟						
فرهنگ / سیاست	۴. موضع عقلی خطر و تهدید: ...ایمن‌اند چنین رهروان ز هر خطری.		برهان‌ها	تاجور			

در بیت ششم خون تاجور به نمایندگی از طبقه‌ی اجتماعی خود، ضمن اذعان به ناچیزبودن خود بدون اتفاق با دیگر افشار جامعه، از آن‌ها یاری می‌طلبد و دست اتحاد به‌سوی ایشان دراز می‌کند. هرچند این ادعا بر چهار برهان تجربی و طبیعی استوار است، اما از جانب خارکن به‌دلایل متعددی از جمله سوءاستفاده، مسئولیت‌ناپذیری ظلم و تعدی طبقه‌ی حاکم و سلطه‌جو، که در جدول پنج ثبت است، پذیرفته نمی‌شود.

مدیرشانه‌چی (۱۳۸۶) نیز درباره‌ی مناظره‌ی دو قطره خون معتقد است که پروین با تصریح به نابرابری‌های طبقاتی در این مناظره به ممکن‌نبودن دوستی میان زبردستان و زبردستان و ناممکن‌بودن اتحاد شاهان تاجور و غارتگران ستمگر با کارگران، رنجبران و زحمت‌کشان اشاره می‌کند و راه‌هایی اینان را، کنار گذاشتن صبر و سکوت و بردارکشیدن و مجازات خونین ظالمان و ستم‌پیشگان می‌داند.

جدول ۶: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان خون خارکن در مناظره‌ی دو قطره خون

اخلاق سیاسی	۱. میان خون تاجور و خون خارکن فرق بسیار است؛	دعای خون خارکن
اخلاق سیاسی	۲. خوش است من با اشک یتیمان و خون رنجبران متحد شوم؛	
حق‌گرایی	۳. در ملک حقیقت، من محبوب بوده و توجه هزاران نفر را به خود جلب می‌کنم؛	
امیدبخشی	۴. دو صد حرف ناگفته در دل من است که حاکی از پیروزی است؛	
ظلم‌ستیزی	۵. برای آزادی و رهایی از بند باید مشتاقانه تلاش کرد؛	
ظلم‌ستیزی	۶. با نابودی غارت‌گران، یتیمان و سال‌خوردگان آرام می‌گیرند؛	
ظلم‌ستیزی	۷. باید به احکام و قوانین ناحق اعتراض کرد؛	
ظلم‌ستیزی	۸. درخت جور و ستم بارور شده و باید آن را قطع کرد؛	
ظلم‌ستیزی	۹. صبر و سکوت مظلوم، جور و بیداد را گسترده‌تر می‌کند؛	
ظلم‌ستیزی	۱۰. قیام علیه بدمنشان و مجازات آن‌ها برای امثال و اذنب‌شان در آینده درس عبرت می‌شود.	

اخلاق/تجربه	۱. موضع آثار هم‌نشینی: هم‌نشینی خلق و خوی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد «چراکه در دل کان دلی شدم گه‌ری»؛	س ن ج ۲
تجربه	۲. موضع عقلی تعریف: «گوهر + هنرمند»؛	
فلسفه/تجربی	۳. موضع عقلی تاریخ: «قضا و حادثه برتری و هنر مرا ثابت کرده است»؛	
ریاضیات	۴. موضع عقلی اعداد و ارقام: «مرا به‌کوی حقیقت، هزارکس بخرد»؛	
فرهنگ/سیاست	۵. موضع عقلی پیامد نیکو: «اگر به‌شوق رهائی، زند بال و پری»؛	
فرهنگ/سیاست	۶. موضع عقلی مسئولیت و پاسخ‌گویی: «اگر ... پرسشی کند پسری»؛	
فرهنگ/سیاست	۷. موضع عقلی رفع فشار و سنگینی: «اگر به‌خانه‌ی غارتگری فتد شری»؛	
فرهنگ/سیاست	۸. موضع عقلی مقابله با سوءاستفاده: الف. اگر که دست مجازات، می‌زدش... ب. اگر نبود ز صبر و سکوتش... و ج. اگر که بدمنشی را کشند ...	

در مناظره‌ی بررسی‌شده، نهایت ایجاز، هنر و سخن‌وری پروین مشهود است. وی در شش بیت آخر از زبان خارکن به‌ازای هر بیت، حداقل یک داده، یک توصیه و یک برهان طرح کرده است؛ به‌عنوان نمونه، در ابیات «به حکم ناحق هر سفله، ...» و «درخت جور و ستم، هیچ ...» مؤلفه‌های زیر درخور شناسایی است:

الف. داده: به حکم ناحق قضاات سفله، خلق کشته می‌شوند؛

ب. توصیه (ادعای ۷): مردم باید پرسشگر باشند و مسئولین دولتی را بازخواست کنند؛

ج. برهان مسئولیت و پاسخ‌گویی: دولت یا حکومت مسئول وضعیت موجود است و وظیفه دارد اقدامات شایسته‌ای انجام دهد.

۲الف. داده: درخت جور و ستم حکومت، برگ و بار گرفته است؛

۲ب. توصیه (ادعای ۸): باید ستمگران را مجازات و درخت ظلم را قطع کرد؛

۲ج. برهان رفع فشار و سنگینی: اگر شخصی، نهادی یا کشوری از طرف مسایل

خاصی مثل ظلم و ستم فرادستان زیر فشار باشد، آن‌گاه باید برای کاهش این فشارها دست به کار شد.

به همین ترتیب، دعاوی پنج، شش، نه و ده نیز حاکی از داده‌هایی است که به صورت ضمنی ارائه شده‌اند. این در حالی است که داده‌های دیگر در ابیات ده تا سیزده با صراحت مطرح شده‌اند. این مقایسه نشانگر آن است که گویا پروین داده‌هایی را که مربوط به ظلم و ستم حکومت زمان و نابرابری‌ها و نابسامانی‌های سیاسی اجتماعی بوده، در قالب تلویح و تضمن بیان کرده است. او با ظرافت تمام از تضمن‌هایی که در جملات شرطی و منفی، نهفته است بهره گرفته تا در شرایط حاکم، بتواند بدون طرح صریح داده‌های سیاسی، توصیه‌های خود را بیان کند. در سروده‌های پروین، بیان صریح ولی گذرا درباره‌ی برخی حقایق نیز دیده می‌شود. گویا بیت زیر، به این گزارش تاریخی اشاره دارد که رضاشاه املاکی را که در مکان‌های دل‌خواه او بوده، به‌بهای ناچیز یا به زور از مالکین می‌خریده است:

از چه شهان ملک‌ستانی کنند؟ از چه به یک کلبه تو را اکتفاست؟

(اعتصامی، ۱۳۹۰: ۶۳)

به‌علاوه، بررسی شاخص‌های قطعیت نیز که حدوداً به ده نمونه می‌رسد، حاکی از لحن قاطع این شاعر در ابیات نیمه‌ی نخست و لحن امیدبخش او در توصیه‌ها و راهکارهای مطرح در نیمه‌ی پایانی است (به کاربردهای «ز ساحل همه»، «چنین هنری»، «دو صد دریا»، «هزار کس بخرد»، «این قدر خون دل نخورد» و «هیچ‌برگ و بار نداشت» دقت شود).

۴.۱.۴. مناظره‌ی روح آزرده

در جای‌جای اشعار پروین آشکارا می‌توان دید که او اندیشمندانه به جهان درحال گذر پیرامون خود می‌نگرد و به‌کرات با بیان ادبی و زبان تشبیه، مخاطب خویش را به تأمل و تفکر در این گذرابودن حیات و دوراندیشی وا می‌دارد. «...پروین خردمندان و باتوجه‌به آموزه‌های دینی و پیروی از نگاه معصومین به جهان، واقعیت مرگ را می‌پذیرد و همه را دعوت به نیکی و استفاده‌ی درست از فرصت می‌نماید» (شریف‌پور و مرجع‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۱). چنین توصیه‌های عقلانی و اخلاقی پروین در اشعار تعلیمی او نمود دارد. وی در مناظره‌ی «روح آزرده» گفت‌و شنود جوانی فقیر و پیر خردمندی را به تصویر کشیده است و از نفس‌ستیزی، نیروی جوانی، اغتنام فرصت و قضاوقدر الهی سخن می‌گوید:

به شکوه گفت جوانی فقیر با پیری / به‌روزگار، مرا روی شادمانی نیست [داده]

بلای فقر، تنم خسته کرد و روح بکشت/ به مرگ قانعم، آن نیز رایگانی نیست [داده]
 کسی بمثل من اندر نبردگاه جهان/ سیاه‌روز بلاهای ناگهانی نیست [ادعا]
 گرسنه بر سر خوان فلک نشستم و گفت/ که خیرگی مکن، این بزم میهمانی نیست [داده]
 به دهر، هیچ‌کس شاخص مهربان نشد با من/ مرا خبر ز ره و رسم مهربانی نیست [ادعا]
 خوش نیافتم از روزگار سفله دمی/ از آن خوشم که سپنجی است، جاودانی نیست [ادعا]
 به خنده، پیر خردمند گفت تند مرو/ که پرتگاه جهان، جای بدعنانی نیست [ادعا/برهان]
 چو بنگری، همه شاخص سررشته‌ها به دست قضاست/ ره گریز، ز تقدیر آسمانی نیست [برهان]
 ودیعه‌ایست سعادت که رایگان بخشند/ در این معامله، ارزانی و گرانی نیست [ادعا]
 دل ضعیف به گرداب نفس دون مفکن [ادعا]/ غریق نفس، غریقی که وارسانی نیست [برهان]
 چو دستگاه جوانیت هست، سودی کن/ که هیچ شاخص سود، چو سرمایه‌ی جوانی نیست [ادعا]
 ز بازویت نبودند تا توانائی/ زمان خستگی و عجز و ناتوانی نیست [برهان]
 به دفتر گل و طومار غنچه در گلزار/ به جز حکایت آشوب مهرگانی نیست [داده]
 بنای تن، همه شاخص بهر خوشی نساخته‌اند [ادعا]/ وجود سر، همه شاخص از بهر سرگرانی نیست [داده]
 ز مرگ و هستی ما، چرخ را زیان نرسد/ سپهر سنگدل است، این سخن نهانی نیست [داده]
 (اعتصامی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴)

در این مناظره، جوان فقیر به نمایندگی از فقرا، بی‌خانمان‌ها و گرسنگان جامعه سخن گفته و از حال و روز خود نزد پیری خردمندی که گویا جلوه‌گر بُعد عقلانی شخص پروین است، شکایت می‌کند. دعاوی و برهان‌های هر طرف در جدول‌های زیر خلاصه و زمینه‌ی طرح آن‌ها نیز ثبت شده است:

جدول ۶: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان جوان فقیر در مناظره‌ی روح آزرده

روان‌شناسی فقرا	۱. از من سیاه‌روزتر و فقیرتر در دنیا کسی نیست؛	دعاوی	برهان‌ها
روان‌شناسی فقرا	۲. به دلیل فقر، خوار و سرافکنده‌ام؛		
روان‌شناسی فقرا	۳. از این خوشم که این عمر مانند «سپنج» برمی‌جهد و زود می‌گذرد و این فقر و خواری پایان خواهد یافت؛		
روان‌شناسی فقرا	۴. هیچ‌کس با من مهربان نبوده، به همین دلیل، از احساسات و آداب مهربانی چیزی نمی‌دانم.		
.....	برهان‌ها	

چنان‌که از جدول بالا پیدا است، به نظر می‌رسد، در این مناظره، پروین قصد داشته است از دریچه‌ی روان‌شناسی به فقر نظر کند و از زبان جوان فقیر به نمایندگی از این قشر، به پیامدهای این پدیده‌ی شوم و آثار آن بر روح و روان آدمی اشاره کند. او در این شعر از جوان‌های فقیر، تصویر افرادی افسرده، منزوی و جامعه‌گریز ارائه می‌دهد که از یک سو، آرزوی مهربانی و از سوی دیگر، هوای مرگ دارند که البته هنوز به هیچ‌یک نرسیده‌اند!

جدول ۷: دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان پیر خردمند در مناظره‌ی روح آزرده

عقل‌گرایی	۱. با اندیشه و تأمل سخن بگوی و عمل کن که خطرات زیادی در پرتگاه جهان، در کمین تو است؛	عقل‌گرایی	عقل‌گرایی
واقع‌گرایی	۲. خوش‌بختی و سعادت امری است باطنی نه اکتسابی؛		
نفس‌ستیزی	۳. از امیال نفسانی و آرزوهای دور و دراز دست بردار؛		
فرصت‌جویی	۴. از نیروی جوانیت بهره بگیر که سرمایه‌ی بزرگی است؛		
کمال‌گرایی	۵. هدف از خلقت صرفاً خوش‌گذرانی نیست.		
فلسفه / جهان‌بینی اخلاق	۱. قضا و قدر الهی: «ره‌گریز، ز تقدیر آسمانی نیست»؛	عقل‌گرایی	عقل‌گرایی
فلسفه / جهان‌بینی	۲. موضع عقلی کنترل امیال نفسانی: «غریق نفس، ...»؛		
فلسفه / جهان‌بینی	۳. موضع عقلی خطر و تهدید: «که پرتگاه جهان، ...»؛		
فلسفه / جهان‌بینی	۴. موضع عقلی پیامد نیکو: «...کشف حقیقت ...»؛		
فلسفه / جهان‌بینی	۵. موضع عقلی وجوب/فوریت زمانی: «زمان خستگی و عجز و ...»؛		
سلامت	۶. موضع عقلی استطاعت: «چو دستگاه جوانیت هست، ...».		

با وجود اینکه پروین وارد دنیای روان، عواطف و احساسات جوان فقیر می‌شود، اما هنگامی که از زبان پیر خردمند سخن می‌گویند، لاجرم، با درنظرگرفتن «سرمایه‌ی جوانی»، توانایی و سلامتی مدعی، خرد وی نیز بر عواطف و ظرافت‌هایش می‌چربد و این بار، برخلاف «اشک یتیم» و «قلب مجروح»، با تمسک به مواضع عقلی، استطاعت و فوریت زمانی، از مقصر جلوه‌دادن جامعه و ارکان حکومتی خودداری می‌کند؛ هرچند او این مهم را نادیده نگرفته و در مواضعی دیگر در باب نقش این دو (جامعه و حکومت) در پیدایش این پدیده سخن گفته است؛ به‌عنوان نمونه:

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می‌دهد کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر
(همان: ۱۴۰)

پروین اعتصامی گاهی در چند شعر مجزا به موضوعی واحد از ابعاد متفاوت نظر کرده و توصیه‌های خویش را مطرح نموده که فقر یکی از همین موضوعات است. شاعر در این مناظره و نیز اشعار دیگرش نمی‌تواند بپذیرد جوانانی که در وجود آن‌ها توانایی و سلامت جسم هست، به امید کمک و صدقه‌ی دیگران بنشینند:

بر نشد از روزن کس، دود ما	نیست جز از مایه‌ی ما، سود ما
ساخته‌ام بام و در و خانه‌ای	تا نروم بر در بیگانه‌ای
تو به سخن تکیه کنی، من به کار	ما هنر اندوخته‌ایم و تو عار

(همان: ۲۲۹)

از طرفی، از این مناظره می‌توان به وضوح نتیجه گرفت که پروین به جبر الهی در محدوده‌ی چگونگی خلقت و حیات موقت انسان در کره‌ی خاکی باور دارد و نافی اختیار عملی نیست که خداوند در چگونگی زیستن به انسان تفویض کرده است. او در موضعی دیگر نیز از زبان پدری پیر در پاسخ به فرزندش که فقر، ظلم و ستم را نیز ناشی از جبر زمانه دانسته و از چرخ گردون و قضا و قدر شکایت می‌کند، ضمن رد این باور چنین بیان می‌کند:

پیر جهان‌دیده بخندید کایــــن	قصه‌ی زور است نه کار قضاست
مردمی و عدل و مساوات نیست	زان، ستم و جور و تعدی رواست

(همان: ۶۳)

به هر حال، این پیر خردمند، با لحن همیشگی پروین و بدون هیچ شاخص تضعیف‌کننده‌ای، توصیه‌های خود را بر برهان‌های عقلی تجربی متعددی بنا نهاده است. او از جوان می‌خواهد گذرابودن این حیات را بپذیرد و با پرهیز از هواهای نفسانی و آرزوهای دست‌نیافتنی، خود را برای نیکوترین پیامد ممکن، یعنی سعادت اخروی آماده کند. این پیر پیامدهای مسیری را که جوان در آن قرار دارد به او گوشزد می‌کند. وی، در موضعی دیگر، نیز از زبان پیری فرتوت به جوان‌ها چنین می‌گوید:

متاعی که من رایگان دادم از کف	تو گر می‌توانی، مده رایگانی
از آن برد گنج مرا، دزد گیتی	که در خواب بودم گه پاسبانی

(همان: ۲۰۳)

در بحث قضا و قدر، پروین ضمن تسلیم‌دانستن آدمی در بعضی امور و سپردن آن‌ها

به قضای الهی و در مقابل مختار دانستنش در برابر امور دیگر، معتقد است اراده‌ی آدمی گرچه نمی‌تواند در برابر قضا و تقدیر الهی مقاومت کند؛ اما، قدرت او حتی برای مقابله با نفس و قوای آن و نیز در برابر رهنی شیطان کارآمد است.

۵. نتیجه‌گیری

در مقاله‌ی حاضر، قطعات مناظره‌ای پروین اعتصامی از سه جنبه‌ی الف. شناسایی برهان‌ها؛ ب. شناسایی دعاوی و زمینه‌ی آن‌ها؛ ج. شاخص‌های قطعیت تحلیل شده و شرح کامل آن در چهار قطعه آمده است. در راستای شناسایی برهان‌ها، ۳۲ برهان (موضع عقلی) در نمونه‌ی اشعار شناسایی شد که از این تعداد، هشت برهان: ۱. ضرورت نظافت؛ ۲. توالی سختی/ سستی؛ ۳. حُب جمال؛ ۴. تعادل در عرضه و تقاضا؛ ۵. علاقه‌ی خویشاوندی؛ ۶. آثار هم‌نشینی؛ ۷. قضا و قدر الهی؛ و ۸. فنا به دست قوی‌تر، مبتنی بر عقاید، اندیشه و توصیف‌های وی، نام‌گذاری و تعریف و سایر برهان‌ها (۲۵ نمونه) بر مبنای تعاریف و نام‌گذاری موجود در پیشینه، شناسایی و استخراج شدند. از نظر بسامد، هریک از مواضع الف. تاریخ و تجربه؛ ب. لزوم احتیاط و پیش‌گیری از خطر و تهدید؛ ج. کنترل امیال نفسانی؛ د. استطاعت؛ ه. تعریف در شش مناظره استفاده شده بیشترین بسامد را دارند. برهان‌های الف. وجوب و فوریت زمانی و ب. بازدهی و بهره‌وری هرکدام با بسامد چهار نمونه (۳۳/۶٪) در رتبه‌ی دوم قرار می‌گیرند. به همین ترتیب، مواضع الف. صداقت؛ ب. پیامد نیکو؛ ج. مقابله با سوء استفاده؛ د. رفع فشار؛ ه. توالی سختی/ سستی؛ و. بی‌فایده‌گی و ضرر نیز هرکدام با بسامد سه نمونه (۲۵٪) در رتبه سوم هستند. مواضع عقلی علاقه‌ی خویشاوندی، قضا و قدر الهی، انسان‌دوستی، عدالت، قانون و حق، واقعیت، اعداد و ارقام، مسئولیت/ پاسخ‌گویی با بسامد دو نمونه شناسایی شدند. مواضع عقلی فرهنگ، توازن کار و دستمزد، اجماع، ضرورت نظافت، حُب جمال، تعادل عرضه/ تقاضا، آثار هم‌نشینی، فنا به دست قوی‌تر، فایده و سودمندی، عذر مقبول، افراط و تفریط ممنوع نیز هرکدام یک بار دیده شدند.

از طرفی، برهان‌های گفته‌شده اساس و زیربنای دعاوی و توصیه‌های بسیاری از زمینه‌های مختلف قرار گرفته‌اند. این زمینه‌ها عبارت‌اند از: هم‌یاری، وقت‌شناسی، جهان‌شناسی، تفریح و تفرج، عشق و تلاش مادرانه، عشق، حق‌شناسی، نفی نژادپرستی و

ظاهربینی، وحدت، برابری، کسب تجربه، احتیاط در برابر خطرات، اخلاق حکومتی، مبارزه با فساد حکومتی و اداری، جرم‌ستیزی، خرافه‌ستیزی، امیدبخشی، روان‌شناسی و آسیب‌شناسی فقر، عقل‌گرایی، نفس‌ستیزی، کمال‌گرایی، واقع‌گرایی، نکوهش خویشناسی، راه و رسم خویشاوندی و آداب هم‌نشینی. در پاسخ به سؤال سوم تحقیق، نیز پس از بررسی حدود سی مناظره می‌توان در مجموع اظهار کرد که پروین بسیار به‌ندرت از شاخص‌های تضعیف‌کننده‌ی قطعیت مانند «شاید» و «احتمالاً» یا هم‌معنی با این‌ها استفاده می‌کند. در عوض، شاخص‌های تقویت‌کننده‌ی قطعیت نظیر «باید»، «نباید»، «هیچ»، «هرگز»، «همیشه»، «بس»، «بسی»، «جز»، «بارها»، «مگر (بجز)»، «همه» و «هر» در سبک استدلالی او پربسامد هستند.

منابع

- ابراهیم‌تبار، ابراهیم. (۱۳۹۲). «بررسی سبک‌شناختی و تحلیل محتوایی مناظره‌ی مست و هوشیار پروین با مست و عاقل مولانا». *ادبیات فارسی*، شماره‌ی ۲۴. صص ۱۰۱-۱۱۸.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۹۰). *دیوان اشعار*. به‌کوشش حسن احمدی گیوی، تهران: قطره.
- چاووش اکبری، رحیم. (۱۳۷۸). *حکیم بانوی ایران «زندگی و شعر پروین اعتصامی»*. تهران: ثالث.
- داد، سیما. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- دادبه، اصغر. (۱۳۸۳). «پروین اعتصامی». *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ذاکری، احمد و مریم صمصامی. (۱۳۹۰). «بارقه‌هایی از سبک مناظره در ادبیات فارسی ایران (نظم)». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، شماره‌ی ۱۲، صص ۹۱-۱۱۰.
- رضوانیان، قدیسه، و مریم محمودی نوسر. (۱۳۹۲). «رمانتیسیم اجتماعی در شعر پروین اعتصامی». *ادب فارسی*، دوره‌ی ۲، سال ۲، شماره‌ی ۲، (پیاپی ۱۲)، صص ۹۵-۱۱۴.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۰). *با کاروان حله*. تهران: انتشارات علمی.
- سرچشمه‌پور، زهرا. (۱۳۹۰). *تعلیم و تربیت از نگاه پروین اعتصامی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء.
- سروری سلطانی، علی. (۱۳۸۱). *تأملی بر فن مناظره‌نویسی و سیر آن در گستره‌ی ادب فارسی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزواری.

شریف‌پور، عنایت‌الله و سعید مرجع‌زاده. (۱۳۹۳). «بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی». پژوهش‌نامه‌ی ادبیات تعلیمی، سال ۶، شماره‌ی ۲۲، صص ۶۵-۹۶. گردنوده، حنیفه. (۱۳۹۰). جلوه‌های کلاسیسیسم در اشعار پروین اعتصامی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان.

مجددالدین، اکبر. (۱۳۸۷). «انعکاس نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی». شناخت، شماره‌ی ۵۷، صص ۳۶۵-۳۹۶. محبی، توریج. (۱۳۷۹). «مناظره در ادب فارسی». رشد آموزش ادب فارسی، شماره‌ی ۵۶، صص ۸۸-۹۲.

مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۸۶). «سیری در اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی». پژوهش حقوق و سیاست، سال ۹، شماره‌ی ۲۳، صص ۲۰۱-۲۲۶. مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). گفت‌مان‌کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی‌گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم؛ مطالعه‌ی موردی عدالت توزیعی در نهج البلاغه. پایان‌نامه دکتري دانشگاه فردوسی مشهد.

مزینانی، ابوالفضل و سحر نصیری. (۱۳۹۷). «طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه استدلال تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی حقوقی». دوماه‌نامه‌ی

جستارهای زبانی، انتشار آنلاین به آدرس: <http://lrr.modares.ac.ir/> واشقانی فراهانی، ابراهیم و سعید مهری. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های سبک‌شناسانه در مناظرات پروین اعتصامی». مطالعات ایرانی، شماره‌ی ۲۷، صص ۱۵۵-۱۷۰.

Bruce Gronbeck. (1980). "From Argument to Argumentation: Fifteen Years of Identity Crisis." Jack Rhodes and Sara Newell, eds. *Proceedings of the Summer Conference on Argumentation*.

Galperin, (1977). *Stylistics*. 2nd ed. Moscow: Higher Education

Reisigl, M., & Wodak, R. (2009). The discourse-historical approach. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.). *Methods of critical discourse analysis* (2nd ed., pp. 87-121).

Toulmin, E. (1985 A). *The Uses of Argument*. 2nd edition 2003.

_____. (1972 B). *Human Understanding: The Collective Use and Evolution of Concepts*.

Wodak, R. (2001). The Discourse-historical Approach. In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (pp. 63-94). London: Sage.